خبر

امام‌جمعه گرگان:

مبارزه با آلودگی هوا یک تکلیف شرعی است

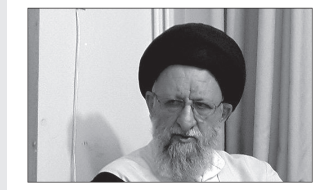

امام‌جمعه گرگان گفت: مبارزه با آلودگی هوا یک تکلیف شرعی است. آیت‌الله سید کاظم نورمفیدی در خطبه‌های نماز جمعه شهرستان گرگان با اشاره به خطبه ۱۸۱ نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین، اظهار کرد: تمام این عالم در محضر عبودیت قرار دارد و خداوند بر همه عالم آگاه است.وی بابیان اینکه خداوند پاک و منزه است، افزود: هیچ‌گاه تاریکی و پرده سیاه شب باعث نخواهد شد تا چیزی بر خداوند مخفی بماند.امام‌جمعه گرگان گفت: زمانی که باران می‌بارد خداوند حتی بر تمامی قطره‌های باران آگاهی دارد و می‌داند به چه میزان جذب مخزن‌های آبی شده است.وی با اشاره به اینکه خداوند نسبت به همه‌چیز آگاه است، تصریح کرد: درزمانی که خیانت چشم برای کسی قابل تشخیص نیست، خداوند بر آن آگاه است چراکه از درون انسان‌ها کاملاً خبر دارد.

آیت‌الله نور مفیدی اظهار کرد: باید توجه داشته باشیم که خداوند بر همه رموز عالم آگاهی دارد و در فردای قیامت همه اعمال انسان‌ها در محضرشان آشکار می‌شود.وی در خطبه دوم با اشاره به‌روز هوای پاک، افزود: هوا یکی از بهترین نعمت‌هایی است که خداوند به انسان هدیه داده است و اگر یک دقیقه این نعمت را از انسان بگیرند هیچ‌گاه زنده نخواهیم ماند. امام‌جمعه گرگان هوای پاک را از ضروری‌ترین نعمت‌ها دانست و گفت: اکنون با پیشرفت علم فعالیت‌هایی از طریق صنعت و کارخانه‌ها در حال انجام است که این فعالیت‌ها آلودگی‌هایی را در پی خواهد داشت و باعث ضربه زدن به محیط‌زیست می‌شود.وی افزود: همه ما تکلیف شرعی داریم تا جایی که ممکن است اجازه ندهیم هوا آلوده شود، باید دست‌به‌دست هم دهیم و این نعمت را قدر بدانیم.آیت‌الله نور مفیدی بابیان اینکه روز سه‌شنبه سالروز میلاد باسعادت حضرت زینب(س) است، اظهار کرد: میلاد این بانوی بزرگوار را به نام روز پرستار نامیدند که افتخار بزرگی برای جامعه پرستاران است.وی افزود: حفظ و نگهداری از نهضت‌عاشورا جزو مهم‌ترین کارهای حضرت زینب(س) به شمار می‌رود، اگر زینب(س) نبود خون سیدالشهدا از بین می‌رفت.امام‌جمعه گرگان گفت: این بانوی بزرگوار مانند کوه استوار در مقابل دشمنان ایستادگی و از کودکان نگهداری کرد.وی از مسئولان مربوطه خواست تا اقدام اساسی در برطرف کردن مشکلات این قشر داشته باشند.آیت‌الله نور مفیدی اظهار کرد: در روز چهارم بهمن فرودگاه مهرآباد توسط بختیار بسته شد تا امام وارد ایران نشود اما ملت ایران علیه نخست‌وزیر وقت قیام کردند و تمام شعارها علیه دولت شد و در نهایت امام خمینی در ۱۲ بهمن وارد کشور شدند.وی در خصوص کشتی ایرانی «سان چی»، افزود: حدود ۳۲ نفر از کارکنان این کشتی براثر تصادف در لحظات اولیه از بین رفتند و این مصیبت سخت و بزرگی بود که بر جامعه وارد شد.امام‌جمعه گرگان بابیان اینکه در پی این حادثه عده‌ای می‌خواستند موج‌سواری کنند و علیه نظام جمهوری اسلامی ایران تبلیغ کنند، گفت: برخی از افراد با طرح این سؤال‌ها که مقصد این کشتی کجا بوده؟ هدف چی بوده؟ و چرا پرچم پاناما بر این کشتی نصب بود می‌خواستند برنامه جدیدی را طراحی کنند.

وی افزود: پرچم یک داستان کشتی‌رانی است، برخی از کشورها شرایط آسان دارند که پاناما هم از آن کشورهایی است که از شرایط آسانی برخوردار است.آیت‌الله نور مفیدی اظهار کرد: در این حادثه برخی‌ها معتقد بودند که چین کوتاهی کرده درحالی‌که وزیر کار این را رد می‌کند و چون ایران رابطه خوبی با چین دارد توطئه‌های جدیدی را در دستور کار خود قرار داده بودند.

پد بالگرد هلال‌احمر ۹۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد

سرپرست جمعیت هلال‌احمر شهرستان بندرگز بابیان اینکه پد بالگرد هلال‌احمر بندرگز تاکنون ۹۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است، گفت: این پد به‌زودی مورد بهره‌برداری قرار می گیرد. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روابط عمومی جمعیت هلال‌احمر استان گلستان، سید طاها میرصادقی، از پیشرفت ۷۰ درصدی پد بالگرد و محوطه‌سازی پایگاه امداد و نجات نوکنده خبر داد و اظهار کرد: این پد به‌زودی مورد بهره‌برداری قرار می گیرد.وی در خصوص فعالیت هلال‌احمر بندرگز طی یک ماه گذشته، افزود: در بخش آموزشی و در قالب طرح‌های خادم، دادرس، بازآموزی، تخصصی نجات گران با جامعه ۵۰۰ نفری و در بخش عمرانی، پیشرفت بیش از ۹۵ درصدی پد بالگرد و محوطه‌سازی پایگاه امداد و نجات نوکنده در ورودی غرب گلستان از جمله فعالیت‌های یک ماه گذشته به شمار می آید.سرپرست جمعیت هلال‌احمر شهرستان بندرگز گفت: تجهیز پایگاه امداد و نجات کوهستانی جاده‌ای نوکنده و ارسال محموله کمک‌های مردمی جهت آسیب‌دیدگان زلزله غرب کشور از دیگر برنامه‌های جمعیت هلال‌احمر بندرگز طی یک ماه گذشته است.

آشوراده واگذار نخواهد شد

مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان بابیان اینکه طرح گردشگری «آشوراده» به یک طرح طبیعت‌گردی کوچک تبدیل شده، تأکید کرد: این طرح بدون واگذاری عرصه تنها در پنج درصد مساحت آشوراده اجرا می‌شود.

حوزه محیط زیست در سال‌های اخیر یکی از چالش برانگیزترین حوزه‌های کشور بوده و در استان گلستان بسیاری از پروژه‌های بزرگ همچون تله کابین، منطقه آزاد، فولاد و ... به دلیل نداشتن مطالعات ارزیابی اثرات زیست محیطی به سرانجام نرسیده اند تا جایی که برخی از نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی از محیط زیست به عنوان محیط ایست پروژه های بزرگ در استان نام برده و محیط زیست را مانع اصلی توسعه در استان قلمداد کرده اند.در خصوص موضوعات مختلف این حوزه با مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان به گفتگو نشستیم، گفتگویی که حول محور توسعه و موقعیت گلستان آغاز شد و به موضوعاتی همچون آشوراده، تخلیه فاضلاب انسانی در تپه هزارپیچ، فاضلاب های صنعتی و ممنوعیت شکار در گلستان کشیده شد.مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان با بیان اینکه گلستان ایرانی کوچک و جهانی محدود در مرز جغرافیایی است، به خبرنگار مهر اظهار کرد: گلستان با دارا بودن جنگل های هیرکانی و اراضی خشک و استپی و اکوسیستم های مختلف زیستگاه بسیار خوبی برای تنوع زیستی کشور فراهم آورده است.

امیر عبدوس با بیان اینکه پارک ملی گلستان یکی از برجسته ترین مظاهر خلقت خداوند و منابع زیستی در استان است، افزود: از این حیث استان گلستان و پارک ملی گلستان نه تنها در ایران بلکه در جهان دارای شهرت جهانی است و بسیاری از بازدیدکنندگان را از اقصاء نقاط جهان به گلستان کشانده‌است.

محور توسعه گلستان می تواند بر اساس گردشگری و طبیعت گردی شکل بگیرد

وی با بیان اینکه معتقدم محور توسعه گلستان می تواند بر اساس گردشگری و طبیعت گردی شکل بگیرد، ادامه داد: تاکنون بعضی از طرح ها مانند طرح گردشگری ساحل بندرگز و تله کابین و چند طرح دیگر در گلستان مدت ها منتظر دریافت مجوزهای محیط زیستی هستند و همین امر باعث شده سرمایه گذاران مدت ها معطل بمانند.

مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان با یادآوری اینکه این طرح ها به موجب قوانین، مصوبات و آیین نامه هایی که به تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست رسیده اند، مشمول مطالعات ارزیابی اثرات زیست محیطی بوده اند، تصریح کرد: هم اکنون سازمان حفاظت محیط زیست، کارشناسان و بدنه دولت در حال بازنگری ضوابط و مقررات استقرار صنایع و واحدهای خدماتی به موجب قانون هوای پاک هستند.ی به مناقشات موجود در خصوص اینکه آیا طرح های گردشگری باید مشمول مطالعات ارزیابی اثرات زیست محیطی باشند یا خیر اشاره و بیان کرد: به عنوان کارشناس محیط زیست عقیده دارم تنها طرح های گردشگری که با اکوسیستم های حساس تداخل دارند، باید مشمول این مطالعات شوند.عبدوس از فاضلاب و پسماند به عنوان دو موضوع اصلی در مورد طرح های گردشگری که با فاصله از دریا و تالاب احداث می شوند، نام برد و اضافه کرد: باید اثرات این دو موضوع در یک گزارش اجمالی اثرات زیست محیطی مورد بررسی قرار گیرد و این طرح ها نیاز به طی کردن پروسه سنگین ارزیابی اثرات زیست محیطی نداشته باشند.وی با یادآوری اینکه مطالعه ارزیابی زیست محیطی در چند کارگروه مورد بررسی قرار می گیرد، خاطرنشان کرد: این ارزیابی نیازمند چندین مرحله رفت و برگشت بین مشاور، مجری، کارفرما و سازمان حفاظت محیط زیست است و همین امر باعث می شود کار به جایی برسد که سرمایه گذار منصرف شود و استان گلستان از این حیث از داشتن چنین سرمایه گذاری هایی محروم شود.

تلاش برای بازکردن گره مشکلات سرمایه گذاران گردشگری

وی همچنین گفت: در دو سه ماهه اخیر تلاش کردیم نسبت به طرح های گردشگری نگاه مساعدتری داشته باشیم و اگر گره های این چنینی وجود دارد، آن ها را پیگیری و باز کنیم و در این راستا تاکنون مشکلات برخی از آن ها حل شده و سرمایه گذار برای شروع طرح اعلام آمادگی کرده و امیدواریم مشکلات مابقی هم به زودی حل شود.مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان با بیان اینکه برخی طرح ها و پروژه های کوچک گردشگری پنج تا ۱۰ هکتاری در گلستان مانند پروژه هایی همچون نیروگاه، پتروشیمی و پالایشگاه مشمول مطالعات ارزیابی اثرات زیست محیطی شده اندو تاکنون نتوانسته اند مجوز بگیرند، این امر را مانع توسعه استان دانست و افزود: به اعتقاد بنده پروژه های گردشگری باید از حیث آثار بر محیط زیست مورد مطالعه قرار گیرند و برای آن ها مجوز صادر شود و نه سایر مواردی که اثری بر محیط زیست ندارد.

وی متذکر شد: طرح های ۱۰ هکتاری که عام المنفعه هستند و فقط پسماند و فاضلاب آن ها اثر بر زیست محیطی دارد باید مطالعه اقتصادی و اجتماعی و اثر بر محیط زیست فرهنگی آن در قالب یک طرح جامع انجام شود و چنین طرح هایی به استان ها تفویض اختیار شود و استان ها بتوانند مجوز لازم را صادر کنند.

عبدوس با بیان اینکه این موضوع را در محیط زیست دنبال می کنیم تا در آیین اجرایی قانون هوای پاک قرار گیرند و مشمول مطالعات ارزیابی زیست محیطی قرار نگیرند، ادامه داد: مطالعات ارزیابی اثرات زیست محیطی برای پروژه های بزرگی همچون پتروشیمی، بندرسازی و پالایشگاه و ... همچنان به قوت خود باقی می ماند.وی به موضوع طرح گردشگری آشوراده هم اشاره و تصریح کرد: این طرح در مسیر اجرای مطالعات کوچک و محدود شده و دیگر طرح گردشگری نیست بلکه به یک طرح طبیعت گردی کوچک تبدیل شده است.عبدوس با بیان اینکه مساحت اجرای طرح هم از ۳۸۰ هکتار به ۲۲ هکتار رسیده و تنها در پنج درصد از مساحت آشوراده اجرا می شود، اضافه کرد: به هیچ عنوان واگذاری عرصه در قالب اجرای طرح در آشوراده انجام نمی شود و صرفا خرید خدمات از بخش غیر دولتی است.وی راجع به این موضوع بیشتر توضیح داد و اظهار کرد: عرصه به مدت ۱۵ سال به امانت سپرده می شود تا سرمایه گذار خدمات ارائه کند و بعد از ۱۵ سال هم هرآنچه قابل انتقال است می تواند ببرد و آنچه قابل انتقال نیست تحویل دولت می شود.وی با یادآوری اینکه مشابه این طرح در پارک ملی گلستان که از نظر حفاظتی دارای حساسیت بیشتری بوده و در رده بالاتر از پناهگاه حیات وحش قرار دارد، اجرا شده، بیان کرد: تاکنون در پارک ملی گلستان پنج واحد کمپ، ۶ مهمانسرای بزرگ و اقامتی، رستوران و مرکز بازدیدکنندگان شامل آمفی تئاتر، موزه، تفرجگاه بزرگ و پارکینگ اجرا و به بخش خصوصی برای ارائه خدمات واگذار شده است.

عبدوس با تاکید بر اینکه هرجا متولی گردشگری در مناطق جنگلی و ... مشخص بوده با آثار سوء کمتری با محیط زیست مواجه شده ایم، از برنامه ریزی برای ساماندهی تفرجگاه در پارک ملی گلستان تا پایان سال خبر داد و خاطرنشان کرد: هم اکنون در پارک جنگلی النگدره که متولی مشخص است ما با چالش جمع آوری زباله و مدیریت پسماند کمتر مواجه هستیم.

وی همچنین به موضوع فاضلاب خانگی و صنعتی در استان اشاره و بیان کرد: فاضلاب و به ویژه فاضلاب صنعتی خط قرمز محیط زیست است و به همکاران در اداره کل و شهرستان ها تاکید کرده ام هیچ مسامحه ای با رهاشدن فاضلاب صنعتی در محیط زیست نداشته باشند.

وی با بیان اینکه در سه ماه گذشته هرجا چنین گزارشی ارائه شد از تمامی ابزارهای قانونی استفاده کرده ایم، ادامه داد: در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی جریمه و حبس برای آلوده کننده محیط زیست در نظر گرفته شده و ماده ۳۸ مالیات برارزش افزوده بر مشمولیت یک درصد فروش به عنوان عوارض آلایندگی تاکید دارد و در ماده ۱۱ و ۱۲ قانون به تعطیلی و پلمپ واحدهای آلاینده اشاره شده‌است.عبدوس با بیان اینکه در فاضلاب خانگی طرف مسئول مسئله یک دستگاه دولتی است و از پیچیدگی برخوردار است و هم قانون مسئول خاصی برای فاضلاب خانگی تعیین نکرده و کار کمی سخت تر است، افزود: به همین دلیل استانداری به عنوان متولی وارد قضیه فاضلاب شهری شده و تصمیم گرفته شد به جای تخلیه فاضلاب در مکان های مختلف تنها در یک نقطه تخلیه شود.

مجبور شدیم تن به ممنوعیت شکار بدهیم

وی با یادآوری اینکه مدیریت فاضلاب شهری متعهد شده مشخصات فنی تصفیه خانه فاضلاب شهری را به گونه ای طراحی کند که پذیرنده فاضلاب های خانگی گرگان باشد، گفت: آب و فاضلاب شهری برای تغییر مشخصات فنی و ارتقاء پذیرنده ها به دو سال زمان و دو میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد و امیدواریم تا دو سال آینده دیگر شاهد رهاشدن فاضلاب در منطقه هزارپیچ نباشیم.

مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان به موضوع صادرنشدن پروانه شکار در سالجاری در گلستان هم اشاره و بیان کرد: ما علاقمند نبودیم که پروانه شکار صادر نشود اما مجبور به اینکار شدیم؛ هرچند گلستان شاهد تلفات طیور اهلی و خسارت آن نبود اما سایر استان ها درگیر بیماری آنفولانزا بودند و مجبور شدیم امسال به ممنوعیت شکار در گلستان تن بدهیم.عبدوس در پایان خاطرنشان کرد: امیدواریم کم کم شکارچیان اسلحه را بر زمین بگذارند و دوربین بردارند و به جای شکار از تماشا و تصویر برداری از پرندگان لذت ببرند.

اختصاص ۱۲ میلیارد تومان به آموزش و پرورش گرگان

مدیر آموزش و پرورش شهرستان گرگان از اختصاص ۱۲ میلیارد تومان به آموزش و پرورش این شهرستان خبر داد.به گزارش مهر، نصرالله کشیری، ظهر چهارشنبه، در نشست خبری با اصحاب رسانه گلستان به مناسب هفته شورای آموزش و پرورش، اظهار کرد: ۲۳ الی ۳۰ دی ماه را هفته شوراها نامگذاری کرده اند تا با عمومی کردن مسائل آموزشی زمینه حرکت به سوی تمرکز انجام و مشارکت در تصمیم گیری بالا رود.وی ادامه داد: در استان شورا به ریاست استاندار و دبیری آن بر عهده مدیرکل آموزش و پرورش است و در شهرستان دبیری آن بر عهده مدیر آموزش و پرورش شهرستان است.کشیری تصریح کرد: تاکنون ۱۲ جلسه برگزار و ۲۵ صورت جلسه و مصوبه داشته که بخش زیادی از آن اجرایی شده است و ماحصل آن ارتقاء بودجه آموزش و پرورش است.وی اضافه کرد: بودجه ما از سال قبل که ۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان بوده به ۱۲ میلیارد تومان رسید که اگر تخصیص یابد بخش زیادی از مشکلات ما حل می شود.مدیر آموزش و پرورش شهرستان گرگان با بیان این که ۱۶۷ کلاس و پروژه داریم که بیش از نیمی از آن ها با کمک خیران شروع شده است، ادامه داد: در محمدآباد خیری با سه میلیارد تومان ورود یافته و با این که ۶ ماه پروژه را شروع کرده بخش عمده ای از آن به اتمام رسیده است، این پروژه ۱۶ کلاس و سالن ورزشی و استخر شنا هم دارد.کشیری با بیان این که رویکرد ما علمی و اثباتی است، گفت: روش ما عینیت بخشی و قابلیت سازی دستاوردها و شاهدمحوری عمل کردن است.وی با بیان این که سازه های علمی و عددی برای رویکرد خود نوشتیم، ادامه داد: سازه ای که مبتنی بر روش های معتبر است و در چهار شاخص تعریف شده است، ساختاری، تحولی، تکنولوژی و عناصر انسانی و چون همه این ها بر روی هم تأثیر می گذارد از ساختار متداخل که ترکیبی از ساختارهای تیمی و بوروکراسی است ورود یافتیم و برنامه هایی تعریف شد.

فرودگاه کلاله به عنوان محور توسعه شرق گلستان مورد توجه قرار گیرد

IranAir
EP-ITD

استاندار گلستان با اشاره به ظرفیت های توسعه شرق استان، اظهارکرد: فرودگاه کلاله تنها اختصاص به این شهرستان ندارد بلکه باید به عنوان محور توسعه شرق استان گلستان مورد توجه همه مسئولان قرار گیرد.سید مناف هاشمی روز پنجشنبه درآیین از سرگیری فعالیت های پروازی فرودگاه کلاله در شرق استان گلستان افزود: مدیران فرودگاهی و هواپیمایی کشور نیز برای استمرار پروازهای این فرودگاه که ازز یرساخت های مهم توسعه شرق گلستان است، تلاش و همکاری های لازم را داشته باشند.وی با بیان درخواست های مدیران استان گلستان ازمدیران کشوری، اظهارکرد: اجرای پروژه آزادراه بندرگز – آشخانه از جمله قول های رئیس جمهوری به مردم استان گلستان است که تاکنون آغاز نشده است.استاندار گلستان افزود: مسئولان نباید منتظر بودجه دولتی باشند بلکه شرایط لازم را برای عملیات اجرایی اینگونه پروژه ها فراهم کنند.هاشمی یادآور شد: راه اندازی منطقه آزاد تجاری اینچه برون از آرزوهای بزرگ مردم استان گلستان است که براساس پیگیری های صورت گرفته در حال تحقق است وتاکنون پنج سرمایه گذار آمادگی خود را برای سرمایه گذاری در منطقه آزاد تجاری اعلام کرده اند.وی بر ضرورت اقدامات موثر مدیران مرتبط کشوری برای ایجاد و راه اندازی بندر خشک دراستان گلستان نیز تاکید کرد.استاندار گلستان بابیان اینکه پروژه احداث راه آهن گرگان – مشهد از دیگر آرزوهای دیرینه مردم استان است، تصریح کرد: متاسفانه تاکنون اقدامی دراین راستا صورت نگرفته و در بودجه سال ۹۷ نیز مورد توجه قرار نگرفته است.وی این روزها را روزهای بودجه در کشور دانست و ادامه داد: توسعه، هدف اصلی بودجه است و نقش مهمی در توسعه هر استان دارد.درادامه این آیین، عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی هم به شرایط اسف بار زندگی مردم در سال های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: پس از پیروزی انقلاب اسلامی مردم کشورمان در عرصه های مختلف شاهد پیشرفت ها و تحولات شگرفی بودند.غلامرضا کاتب به توطئه های دشمنان انقلاب اسلامی اشاره کرد و افزود: دشمنان تحمل توسعه، پیشرفت و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القرای جهان اسلام را ندارند.بـه گـزارش ایرنا ، آیین از سرگیری پروازها از فرودگاه کلاله در شرق استان گلستان با حضور مسئولانی از هواپیمایی کشور، استاندار گلستان، نماینده مردم شرق استان گلستان در مجلس و مسئولان محلی روز پنجشنبه با فرود یک فروند هواپیمای ATR در این فرودگاه برگزار شد.

شهرستان کلاله با بیش از ۱۳۰ هزار نفر جمعیت در شرق استان گلستان قرار دارد و فرودگاه این شهرستان که پیش از انقلاب با هدف سمپاشی اراضی منطقه راه اندازی شده بود، با صرف میلیاردها ریال هزینه برای بار اول در سال ۱۳۷۴ و بار دوم در سال ۱۳۹۱ با حضور رئیس جمهوری وقت به بهره برداری رسید.برقراری پروازها از این فرودگاه تاکنون با فراز و فرودهای بسیار همراه بوده است و پس از هربار راه اندازی پروازها، به دلیل عدم استقبال مسافرین به تعطیلی کشیده شده و امروز برای پنجمین بار است که فعالیت های پروازی از این فرودگاه از سر گرفته می شود.

۲۰۰میلیارد ریال برای توسعه فرودگاه کلاله اختصاص یافت

مدیرعامل شرکت فرودگاه ها وناوبری هوایی کشوربا بیان اینکه فرودگاه کلاله از ظرفیت های بسیار خوبی برای توسعه برخوردار است، گفت: با هدف توسعه امکانات خدماتی و زیرساختی فرودگاه کلاله، ۲۰۰میلیارد ریال اعتبار به این فرودگاه اختصاص یافت.به گزارش خبرنگار ایرنا، رحمت الله مه آبادی روز پنجشنبه درآیین از سرگیری فعالیت های پروازی فرودگاه کلاله در شرق استان گلستان افزود: با توجه به ظرفیت های موجود، طرح های ویژه ای برای توسعه فرودگاه های استان گلستان به اجرا گذاشته می شود. وی خاطرنشان کرد: براساس تصمیمات اتخاذ شده و در راستای توسعه امکانات و زیرساخت های فرودگاه کلاله، طرح های بیشتری به این فرودگاه اختصاص خواهد یافت تا مردم گلستان به خصوص شرق این استان به صورت شبانه روزی از خدمات پروازی برخوردار شوند.به گزارش ایرنا، نماینده شهرستان های مینودشت ، گالیکش ، کلاله و مراوه تپه در مجلس شوراس اسلامی، نیز گفت: فرودگاه کلاله از امکانات و زیر ساخت های لازم برای ارائه خدمات پروازی برخوردار است.شهرام غراوی افزود: وی با بیان اینکه مردم این منطقه لیاقت برخورداری خدمات بیش از اینها را دارند ، از مدیران مرتبط خواست برای استمرار پروازهای فرودگاه کلاله تلاش ها و تمهیدات لازم را داشته باشند.

آگهی‌های ثبتی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ اعیانی یک باب ساختمان به انضمام چهل و هفت سهم از چهل و هشت سهم عرصه که مابقی آن وقف است به مساحت ۱۱۹ مترمربع پلاک ۵۲۰ فرعی از ۱۲۵ اصلی بخش ۲ ثبت گرگان ملکی آقای جعفر مرادقلی کلوخی فرزند غلامعلی در ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۱۳۹۶/۱۱/۲۸ در محل وقوع ملک واقع در گرگان – کوی عرفان – بین کوچه عرفان ۷و۹ بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاورین نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید. در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

محمد اسماعیل پور – کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان – ۱۰۳۹ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای محمد ایمری فرزند موسی به شماره شناسنامه ۱۳۶۸ با ارائه دو برگ شهادت شهود مصدق، مدعی شده که سند مالکیت ششدانگ عرصه و اعیان یکبابخانه بمساحت ۲۷۶٫۱۰ مترمربع به شماره ورقه مالکیت ۹۶۶۶۵۴ ب ۹۵ بپلاک ۱۶۶۱۰ فرعی از ۱ – اصلی بخش ۱۰ حوزه ثبتی گنبد ذیل دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۱۲۰۰۴۰۰۹۳۳۷ بنام آقای محمد ایمری فرزند موسی به شماره شناسنامه ۱۳۶۸ ثبت و صادر گردیده است و برابر سند رهنی ۱۱۹۴۴۲ – ۱۱۹۵۷۳ – ۱۳۹۴/۸/۵ – ۱۳۹۴/۹/۲۹ دفتر ۱۸ گنبد بنفع بانک مسکن بمبالغ ۱۳۵۰۰۰۰۰۰ و ۱۱۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال در رهن قرار گرفته است و برابر نامه ۹۶۰۳۳۷ – ۹۵۰۵۲۱ – ۱۳۹۵/۹/۹ – ۱۳۹۶/۶/۲۱ شعبه اول دادگاه حقوقی گنبد در قبال مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ – ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دو میلیارد ریال بازداشت گردیده است، بعلت جابجائی مفقود گردیده ، تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده لذا برابر تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می گردد و هر کس مدعی وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود باشد ظرف ۱۰(ده) روز مدارک اعتراض را ضمن ارائه مستندات به این اداره ارائه نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات اقدام خواهد شد.

سارانی – رییس اداره ثبت اسناد و املاک گنبد – ۸۶۵۱ م الف

خبر

نماینده مردم گنبدکاووس در مجلس:

منطقه آزاد اینچه برون به سرعت پیشرفت می کند

نماینده مردم گنبدکاووس در مجلس شورای اسلامی گفت: منطقه آزاد اینچه برون جزو مناطقی است در صورت تصویب به سرعت پیشرفت خواهد کرد.قره جه طیار صبح چهارشنبه درنشست مشترک اتخاذ راهکارهای بهینه در زمینه ایجاد مناطق آزاد تجاری – صنعتی که در گرگان برگزار شد، اظهار کرد: سال گذشته نمایندگان مجلس با یک فوریت مناطق آزاد موافقت کردند و کلیات آن به تصویب رسید.وی افزود: ارائه نکردن نقشه‌های مصوب از سوی دولت دلیل تاخیر در طرح لایحه مناطق آزاد در صحن علنی مجلس بوده است.طیار تصریح کرد: هنوز هیچ منطقه آزادی در مجلس رد یا تائید نشده و منطقه آزاد اینچه برون از نظر کارشناسی جزو مناطقی است که خیلی زود پیشرفت خواهد کرد.وی ادامه داد: رئیس مجلس و اکثر نمایندگان هم با کلیات طرح ایجاد مناطق آزاد موافق هستند و نگاه مثبتی دارند و امیدوار هستیم مورد تصویب مجلس قرار بگیرد.

پرداخت کرایه تاکسی در گرگان الکترونیکی می شود

رئیس سازمان مدیریت حمل و نقل بار و مسافر شهرداری گرگان از الکترونیکی شدن پرداخت کرایه تاکسی در گرگان خبر داد.احمدعلی سالاری در خصوص پرداخت الکترونیکی کرایه تاکسی، در گفتگو با مهر، اظهار کرد: یکی از مشکلاتی که در سطح شهر وجود دارد و همواره باعث ایجاد تنش بین شهروندان و رانندگان تاکسی می شود، پرداخت کرایه است.

وی ادامه داد: از مدت ها قبل تصمیم گرفتیم که پرداخت کرایه تاکسی را در گرگان الکترونیکی کنیم، در گام اول از دستگاه pos سیار استفاده کردیم که چون هزینه یک میلیون تومانی برای راننده داشت، مقرون به صرفه نبود و استقبال نشد.سالاری با بیان این که تصمیم گرفته شد تا این روند اصلاح شود، اضافه کرد: سازمان از یک ماه قبل استفاده از نرم افزارها برای پرداخت الکترونیکی را در شهرهای مختلف، رصد کرد و به آخرین شیوه ای که رسیدیم استفاده از نرم افزار است که هیچ هزینه ای برای رانندگان ندارد.وی گفت: تفاهنامه ای با شرکت مرتبط بسته شد و طی آن رانندگان ناوگان حمل و نقل عمومی را جهت آموزش استفاده از نرم افزار به شرکت معرفی می کنیم.سالاری با بیان این که شهروندان می توانند با استفاده از این نرم افزار و کیف پولی که در داخل آن تعریف شده، کرایه تاکسی را پرداخت کنند، تصریح کرد: تبلیغات و آموزش و اطلاع رسانی این موضوع توسط شرکت انجام می شود.وی افزود: در ابتدا کار استفاده از این نرم افزار برای رانندگان اجباری نیست اما چون اجرا، رایگان و هزینه ای برای رانندگان ندارد بهتر است همه از آن استفاده کنند چون این کار برای رفاه حال خود آن هاست.

شرکت سهامی خاص توسعه کشت دانه های روغنی

شرکت توسعه کشت دانه‌های روغنی گرگان در نظر دارد

یک نفر کارشناس حسابداری از طریق آزمون جذب نماید. لذا از متقاضیان دعوت می شود حداکثر طی ده روز از تاریخ درج آگهی رزومه خود را به آدرس ذیل ارسال فرمایند.

آدرس: گرگان، کیلومتر ۵ جاده گرگان – ساری، شرکت توسعه کشت دانه های روغنی استان گلستان

شماره تماس: ۰۱۷۳۲۴۵۵۰۷۹

ابوعلی سینا

یادداشت

چرا ابن سینا از زکریای رازی به زشتی یاد می کند؟

رسول‌جعفریان

بارها در بحثهایی که در باره وضعیت علم در تمدن اسلامی مطرح شده اشاره به خلط مهم روشی در بخش های مختلف شده است. این که با فلسفه به سراغ طب رفته اند، یا نجوم را تحت تأثیر اندیشه های فلسفی و دینی بررسی کرده اند، و موارد بسیار دیگر، و این که نتیجه اش عدم پیشرفت دانشها و توقف بوده است. در عالم طب، همه می دانند طب زکریای رازی (م ۳۱۳)، طب تجربی است، اما طب ابن سینا، با همه نبوغی که داشته، غالبا فلسفی است. اکنون ما می دانیم روش رازی در کشف مسائل طب، بهتر از روش ابن سینا (م ۴۲۸) بوده است، اما چرا آثار ابن سینا به خصوص قانون، حکم کتاب مقدس طب را یافته است؟ دلیلش محبوبیت روش فلسفی در تحلیل است که ذهنیت موجود در تمدن اسلامی با آن سازگار تر و امری رایج تر بوده است. تجربه، جز در صنعت، آن هم صنعت ارثی و بی بهره از ریاضیات، هیچ گاه محبوبیت جدی نداشت و همیشه با گفتن این نکته که تجربه بدون قیاس و عقل راه به جایی نمی برد، از میدان پژوهش در حوزه علم بیرون برده می شد. این یکی از مهم ترین دلایل توقف علم است. و اما در اینجا به نقل از یکی از رسائل ابن سینا، تمسخر او را نسبت به روش زکریای رازی شاهد هستیم. موضوع بحث، افلاک، قِدمت آنها، مقایسه وضع آنها با زمین و کوهها و عمر آنهاست. کسی سوالی از ابن سینا پرسیده است که اشکالی به گفته های ارسطو بوده؛ و ابن سینا، تمام قد به دفاع از ارسطو برخاسته، و به مقابله با سائل که سوالش نوعی اشکال گرفتن از ارسطو بوده، پرداخته است. در میان بحث، ابن سینا، سائل را متهم کرده که مطالبش را تحت تاثیر زکریای رازی مطرح کرده، و با الفاظ نسبتا زشت از رازی یاد کرده است. در میان این الفاظ زشت، نکته مهم این است که ابن سینا ،رازی را آدمی می داند که شأن او در حد «تأمل در بول» یا همان ادارار است، و در اینجا اشاره اش به روش تجربی زکریای رازی در امر پزشکی است. این در حالی است که خلط فلسفه با نجوم و غالب مسائل طبیعیات، یکی از دلایل اصلی توقف دانش در میان مسلمانان و تکرار مکررات ابن سینا در هزار سال پس از اوست که به رغم همه نبوغ و تلاشی که داشت، و نیز نثر استوار ناخواسته مانع از تحول شد.

سوالی که از ابن سینا شده این است:

چرا ارسطو گفته های قرون گذشته و دوره های قدیم در باره فلک را همان گونه که یافته، به عنوان حجت قوی در دو جای از کتابش در باره ثبات و دوام فلک آورده و حال آن که، کسی که تعصب و اصراری بر باطل ندارد می داند که این حرفها روشن نیست، و ما از اندازه آن چیزی نمی دانیم مگر آن مقدارش بسیار کمتر آن چیزی است که اهل کتاب (بسیار زیاد) گفته اند، و یا آنچه از هند و دیگر امم در این باره نقل شده است، همه اینها یا بخشی از آن، با تأمل در تعاقب حوادث بر بخش آباد زمین، ظاهر البطلان است، وضعیت کوه ها نیز در قدمت و همین طور شهادت نسلها همراه با ظهور حوادث و دگردیسی در آنها چنین است. در اینجا ابن سینا چنین پاسخ می دهد: باید بدانی که این اظهارات از طرف وی، همراه با اقامه برهان نیست، بلکه آن را در خلال مطالب خود در این باره آورده است که مسأله آسمانها مانند مسأله کوه ها نیست. امت، اگر چه شاهد بوده اند که کوهها در کلیت خود محفوظ مانده، اما به صورت جزئی آسیب دیده اند و برخی بر برخی فشار آورده و اَشکال آنها عوض شده است. افلاطون بالاتر از اینها را هم در کتاب سیاسات خود آورده است. شاید تو این ایراد را از یحیی نحوی گرفته ای ... یا « أو عن محمد بن زکریا الرازی، المتکلّف الفضولی فی شروحه فی الالهیات، و تجاوز قدره فی بط الخُراج، و النظر فی الأبوال و البرازات، لا جرم فضح نفسه، و أبدی جهله فیما حاوله و رامه» (رسائل ابن سینا، ص ۴۱۶)

یا از محمد بن زکریای رازی که در شرحش در الهیات یک «متکلف فضولی» است، و از حد خود در بط خُراج [باز کردن ورم چرکین] و نگاه در بول و برازات پا را فراتر نهاده است، و بدین ترتیب خود را مفتضح کرده و در این نوشته ها، جهل و نادانی خود را آشکار کرده است. بدون شک، دانش طبیعیات حتی در حد ابن سینا هم نماند، و بعدها، خیلی خیلی جدیتر و بیش از همه توسط متکلمان و فلاسفه، تحت الشعاع مباحث الهیات قرار گرفت. در واقع، ما در مرحله بعدی، ابن سینایی را شاهدیم که اندیشه های مشائی اش زیر فشار بحث هایی که اهمیت بیشتری به روشهای فلسفی با ترکیبی از عرفان می دهد، خرد می شود، و باز هم بیشتر و بیشتر افکار و اندیشه های انتزاعی ظاهر می گردد. اشکال عمده این فلسفه که طبیعیات را هم زیر سلطه خود گرفته بود، بیش از آن حل مشکل طبیعیات باشد، استخدام همه چیز برای الهیات بود. البته که آن مسائل هم باید حل می شد، اما نه به قیمت منحرف کردن بحث در طبیعیات.

رستگاری در سرعت

نقدی بر نوشته های سایه اقتصادنیا

بهاره بیات-چندی پیش خانم « سایه اقتصاد نیا « نوشتاری در فضای مجازی ، پس از مرگ مجتبی عبدالله نژاد منتشر کردند ، ایشان در ضمن ستایش از عبدالله نژاد و برشمردن خصایل نیکش ،متذکر شده بودند،عبدالله نژاد روشنفکر نبود و از اتصاف صفت روشنفکری به خودش دوری می کرد و روشنفکری را چون لکه ی ننگی می دید .

در پاره ی بعدی، روشنفکری را با بیکارگی ، علافی ، حرف مفت زنی ، اعتیاد ، فسق و جزمی گرایی برابر دانستند . در نتیجه عده ای از مخالفان ، این نوشتار را در کنار نوشته های کیهان قرار دادند و هدف پنهان آن را به حساب حمله ی سازماندهی شده به سنت روشنفکری در ایران گذاشتند.

چرا نقد اقتصادی نیا مهم است ؟

اقتصادی نیا ، روزنامه نگار است و خوشبختانه هم ،از واژه روزنامه نگار هراس ندارد، داعیه نقد اکادمیک ندارد ، سنت روزنامه نگاری را می شناسد ، قلم خوبی دارد و روش کارش هم این است که با موضع حداکثری مخاطب را برانگیزاند . به گفتار نظری توجهی نشان نمی دهد و جهان نظری که در آن قلم می زند را مسلم و بدیهی می انگارد و ازین روست وقتی می نویسد ،نیم نگاهی به جهان های نظری بدیل ندارد و گزاره های خود را حقیقی و طبیعی می داند ، و باز بر همین روست که به سختی بر سر مواضع خود می ماند و می جنگند. نداشتن نگاه انتقادی به جهان نظری، او را تبدیل به یکی از راویان عقل سلیم ِ جامعه کرده است ، او به عنوان عامل اجتماعی ، نظم اجتماعی و تاریخی را با نظم طبیعی یکی می گیرد.

نقد سایه اقتصادی نیا؛ نقد گفتمان مسلط جامعه است ، نقد نظم مستقری است که خود را با پوشش علم و نظریه ی متعارف مشروع کرده است و جهان های نظری و عملی دیگر را در سایه قرار داده است . دراین نقد کوتاه به چهار نوشتار سایه اقتصادی نیا توجه شده است ، که سویه های پررنگ اجتماعی دارند و جامعه نیز به آنها واکنش نشان داده است .

«فضل جای دیگر نشیند « ، «کورش اسدی و بازتولید چهره ی افسرده ی نویسنده ایرانی « ، ابوالحسن نجفی و مینی بوس نویسندگان و» فروغ فرخزاد، شخصیتی دو قطبی ؟ کاوشی در روانشناسی شعر و شخصیت فروغ فرخزاد «

فروکاهش امر اجتماعی به امر شخصی

اقتصادی نیا ، خودکشی کورش اسدی را محصول محتوم افسردگی می داند ، افسردگی هم بیماری است و ریشه های ژنتیکی دارد ، دلایل مرگ کورش اسدی را باید در لابلای پرونده ی پزشکی او جست. و در نهایت خودکشی کورش اسدی به چهره وا زده روشنفکرایرانی که به الکل دود ، بیکارگی و تنبلی پناه برده ،مشروعیت بخشیده است ، ایشان درمقاله ی بعدی صراحتا روشنفکری را با واژه های تا لنگ ظهر خوابیدن ، حرف مفت زدن ، الکلی و معتاد بودن ، فاسق بودن و متعصب بودن معنا می کند .

در نهایت تبین خانم اقتصادی نیا، از شکست، تبیینی شخصی و فرد گرایانه است . نویسنده اگر تلاش کند و مثل موتور کار کند موفق می شود ، و اگر هم شکست بخورد خودش مقصر بوده است ، چون به اندازه کافی کار نکرده ،ممکن است تا لنگ ظهر خوابیده باشد یا الکلی ،معتاد و فاسق باشد ، در هر صورت آن که بی تقصیر است، جامعه است .

او مثلا در مورد «کورش اسدی « به راحتی چند چیز را نمی بیند ، برای مثال کورش اسدی برای گرفتن مجوز کوچه ابرهای گمشده ده سال انتظار کشید ، درین سالها مجوز تجدید چاپ پوکه باز و باغ ملی لغو شد ،کورش اسدی در مصاحبه ای می گوید : (ده دوازده سال بنویسی و چاپ نشود ،مخاطبان آن سالها ، اغلب یا رفتند یا منزوی شدند و به دلایل درست و غلط با ادبیات و هرچه متن مکتوب قهر کردند . بعد از دوازده سال نسل دیگری می آید که هیچ خبر از گذشته ادبی تو ندارد . [illegible] ادبی » من نقشی ندارد . کدام سیاست [illegible] دارد ؟نشسته ایم در انزوا و ارواح خو[illegible] کنیم ، که آیا چاپ بشود، آیا نشود . [illegible] یعنی اصلا مهم نیست)

البته به جز ساختار رسمی قدرت ، که نویسنده ای چون کورش اسدی را به مرگ نزدیک کرد ، ساختار بازار هم درین مرگ نقشی اساسی داشت . کورش اسدی علیرغم سرمایه فرهنگی که درین سالها اندوخته بود ،تسلط بر نثر و نظم متون کهن فارسی ،داستان معاصر ایران و جهان ، نه کارشناس نشر و کارمندمجله ای بود و نه قتی رمانش پس از سالها منتشر شد ، نقدَ و معرفی چندانی بر کتابش نوشته شد .

دلیل در حاشیه ماندن و دیده نشدن او در چه بود ؟پاسخ این سوال را می توان با نگاهی به ویژگی های رمان های پرفروش فارسی داد.

زبان و روایت ساده و فارغ از هر نوع پیچیدگی ،شخصیت های تک بعدی و سرراست وقصه های با پیرنگ ساده ، از سرفصل های مشترک این داستان هاست،چرا که ریسک کمتری دارد و می تواند حداکثر سهم بازار را بگیرد ،،داستان ها اکثرا راوی مجادلات ذهنی طبقه متوسط رو به بالا هستند ، کمتر از فقر ، حاشیه نشینان و جهان مهجورین چیزی می خوانیم ،چرا که ممکن است مخاطب امروز را آزار بدهد ، سویه های سیاسی برنده ندارند، چرا که، این بار، ممکن است قدرت را آزار دهد .

اقتصادی نیا ، در عین بی رحمی ، دلایل مرگ کورش اسدی ،را بیماری با ریشه های ژنتیکی اعلام می کند ، که بعید است به عنوان یک نویسنده ،با مافیای قدرت ِ چند نام آشنا در ادبیات برخورد نکرده باشد ، همان ها [illegible] چند مجله و داور جایزه های ادبی هستند ، و [illegible] در نزدیکی و دوری به این محافل قدرت رقم [illegible] شتاری که بر روی شعر فروغ می نویسد و به [illegible] صیت» فروغ پرده برداری کند ،در هم آمیزی [illegible] تن را از نشانه های شخصیت دو قطبی فروغ فرخزاد می داند ، او به راحتی از شعر فروغ تاریخ زدایی می کند ، سیاست ، اجتماع و اقتصاد را در پرانتز می گذارد د و خب آن چه باقی می ماند ،شخصیت افسرده – شیدای فروغ فرخزاد است .

برفرض که فروغ فرخزاد و کورش اسدی بیمار بوده اند ، این نکته زندگینامه ای که اتفاقا با تکیه بر ویکی پدیا هم نوشته شده بود ، چه اهمیتی دارد ؟ با روان شناسی می توان زندگی شاعر و نویسنده ای را تحلیل علمی کرد و کسی را هم نیازرد .این شعر بعد از اختلافات زناشویی سروده شده است ، آن شعر بعد از طرد از خانواده گفته شده است و آن یکی هم بعد از فلان بستری شدن در بیمارستان . اینها به چه کسی برمی خورد ؟قدرت رسمی را بر می آشوبد ؟نقاب از چهره ی بازار بر می دارد ؟ تنها کسانی که امکان دارد ، اعتراض کنند ، خانوادهی متوفا هستند ، آن هم چه بهتر ، برهم زدن این آتش ، شعله های بازار را برافروخته تر می کند.قدرت گیری روان شناسی به عنوان علم مرکزی علوم انسانی ، حاکی از وضعیت خنثی و یا حتی خوشایند این علم برایَ قدرت است . (مسلم این است که روان شناسی به عنوان یک علم جایگاه خودش را در نظام علوم دارد)

نتیجه حذف فاکتورهای اجتماعی و نشاندن روانشناسی به جای علوم اجتماعی ، پنهان کردن سازوکارهای انحصار و سلطه است.رجوع به پرونده ی پزشکی نویسنده یک کارکرد بسیار مهم دارد، اجتماع در مرگ، ناکامی و شکست او تقصیری ندارد . و البته آن چه به شدت درین فضا رشد می کند و مانند یک ایدئولوژی انکار ناپذیر پا می گیرد ، نوعی داروینیسم اجتماعی است ،ملاک،کوشش و لیاقت شخصی آدم هاست ، دستی نامریی، موفق ها و ناموفق ها راجزا می دهد ،به سروری می رساند و یا به حضیض می کشاند .همه ی اشکال مداخله گری، این نظم برحق را برهم می زند و عدالت ناشی از انتخاب طبیعی را از زیر سوال میَ برد . ضربه نهایی این صورت بندی ،دراین نکته نهفته است : آنها که شکست خورده اند قربانی نیستند، مقصرند .،در نتیجه جامعه مسولیتی دربرابر آدم تقصیر کار ندارد .

متن به مثابه کالا

اقتصادی نیا در یک کالا انگاری همگانی ، متن را هم کالا می بیند ، در نتیجه می گوید نویسنده ، بقال و نجار نداریم ، همه باید به تولید محصول بپردازیم و به اصطلاح « پروداکتیو» باشیم .در جایی به حجم کاری که عبدالله نژاد در عمر کوتاهش کرده است اشاره می کند و می گوید او مثل موتور کار می کرد .دو اصطلاح پروداکتیو و موتور ، نگاه ابزاری او را به متن نشان می دهد ، وقتی چیزی کالاست ، از قواعد بازار هم تبعیت می کند ، آن چیزی که می فروشد در صدر می نشیند و آن چیزی هم که نفروشد ،فاقد اهمیت و اعتبار است ، تولیده انبوه ، سهم بازار و منحنی فروش جای نقد ادبی می نشیند .وقتی متن کالا است ، باید نویسنده را برندینگ کرد ، در جهان مجازی برای خودش باید صفحه داشته باشد ، زندگی شخصی و خانوادگی اش را به نمایش بگذارد ، برایش « ایونت « باید تعریف کرد ، جشن رونمایی و امضا باید برگزار کرد و نویسنده ای که تن به قواعد پیشرفته و تمام علمی ، فروش ندهد ، مستحق شکست و حذف است .

نهاد به جای نیرو

اقتصادی نیا به کانون نویسندگان حمله می کند در یک جا به از کانون نویسندگان ، با عنوان کانون مزور یاد می کند و در جایی دیگر می نویسد : (می دانم که روشنفکران محترم ، بالاخص اعضای محترم کانون نویسندگان الان چوب را برای من بلند کرده اند . آقایان ، خانم ها ! نمی خواستید پا به خانه ای بگذارید که حداد عادل ریاستش را دارد ؟ بسیار خوب . ولی نجفی ۲۵ سال در همان خانه کار می کرد ......به خاطر حداد عادل نیامدید ؟ گورستان که از آن حداد عادل نبود ، دست کم آنجا تشریف می آوردید ، با ماشین های خودتان می آمدید . تاج گلی مزین به عناوین جبروتی تان بر خاکش می نهادید ...)

فرضیه ای که اخیرا زیاد هم مطرح شد ، که او مزدور است و یا برای خوشایند و نزدیکی به قدرت این کار را می کند. اما فی الواقع در گفتمانی که او در آن می اندیشد و می نویسد ، این تقابل از پیش ، موجود است .درین گفتمان همه اشکال نیروهای اجتماعیِ خود به سامان ، خطرناکند ، خیزشی از پایین هستند ، امکان کنترل و جهت دهی به آنها سخت است. درمقابل نهاد ها ، نظام نخبگان منتخب و دارای قدرت هستند که در دل یک ساختار تکوینَ یافته اند ،دارای امتیازات و مواهبی هستند ، که به راحتی آن را در خطر نمی اندازند . نیروها می توانند کنش گروهی هدفمند را رقم بزنند و مطالبات جدید را نمایندگی کنند ، کاری که نهادها حتی اگر به آن رغبت هم داشته باشند از طریق نظام بوروکراتیک پی گیری می کنند .

سایه اقتصادی نیا ، خودآگاه یا ناخودآگاه در دل گفتمانی نشسته است که جامعه را همان بازار می داند و سعی دارد جامعه را با مکانیزم های بازار راهبری کند ، ازین روست که نقد سایه اقتصادی نیا مهم می شود .

موخره:

این نوشتار کوتاه و شتاب زده در فضای عمومی«رستگاری در سرعت است « نوشته شده است ، امید این که ، با نوشته ی سَایر دوستان تکمیل شود و ادای دینی باشد به زندگی و مرگ کورش اسدی .

نا ناامیدی

انسان فانی‌ست؛ مخصوصاً در ایران

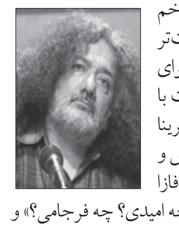

نیما صفار – رفتن روی واژه‌های خز شده و زخم شده این حسن رو داره، که با خیال راحت‌تر می‌تونی بری سراغ اون جنبه‌ای که می‌خوای بگی و اونقدر سابقه و پیرامون و پشت هست با کلمه که کار خودشون رو بکنن. یکی از خزترینا طبعاً همین «امید»ه که هم تو وجه بچه‌مثبتی‌ش و «روشن نگاه داشتن شعله‌ی امید» و از این فازا خیلی روش رفتن، هم تو اون گلایه‌های «چه امیدی؟ چه فرجامی؟» و ... سه/چهارتا چیز کوچولو ولی: یکی این که امید، معمولن به شکل «امید به» میاد وسط. اگه جواب ِدیالوگ «امیدوارم»، «به چی؟» نباشه، یعنی قبلن هم حیطه و هم موضوعِ امید روشن شده. بیایم یک‌کم رو این فرض و فانتزی برونیم که اون چیزی که «امید» می‌شناسیمش، خیلی ناظر به چیز، یا خواسته، نباشه. هدایت بازیگر: «حسّ یه آدم امیدوار رو بگیرا!» «به چی؟» «به چیش چیکار داری؟ کلن امیدوار باش!». می‌بینین؟ این فرض و فانتزی «کار» می‌کنه که امید رو بیشتر یه حس، حالت یا مود بگیریم که آدم امیدوار در میاد ازش؛ نه بالعکس. اگه به این نگاه مجال بدیم پرسه‌ای بزنه و خودی نشون بده، شاید اون‌وقت این‌قدر و این‌طور دیگه امید معطوف به آینده و زمان خطّی نشه. چیز دوّمی که می‌خوام بگم، که بی‌ربط با اوّلی نیست، رابطه‌ی ناسرراست امید با احتماله. توی اشکال قابل سنجش امید، معمولن جای احتمال مثبت و خوشایند به کار می‌ره. امید به بهبود سی‌درصده، یعنی هفتاددرصد احتمال بهبود نیست. ولی منظورم از ربط این نبود و این که وقتی پس از بررسی‌ی احتمالات به نتایج مثبتی می‌رسیم، می‌گیم شرایط امیدوارکننده‌ست. معمولن وقتی اون مود امید میاد بالا که احتمالای خوشایند، زیاد بالا نباشن. تو صف نونوایی وقتی یه نفر جلومونه، به عادت نمی‌گیم «امیدوارم نون بهم برسه». پس وقتی امیدواریم، که روی کاغذ همه چیز ناامیدکننده به نظر میاد. حالا ما یا به علت باوری قلبی یا اشراف به چیزایی جز دیتاهای اومده وسط یا همین‌جوری، امیدواریم. حالا اهمیتش چیه؟ این که معمولن این واژه تو موارد خطیر کاربرد داره. اگه نونوایی تموم کنه پختش رو و نرسه به ما، میریم از سوپر، نون مونده می‌خریم. وقت قحطیه که رسیدن یا نرسیدن نون رو محمل امید می‌افته. ولی الزامن به این ترتیب نیست که بین امید و احتمال رابطه معکوس باشه؛ یعنی هر چی احتمال ضعیف‌تر، نقش امید پررنگ‌تر. همون‌قدر که تو احتمالات صددرصد و نوددرصد، مخصوصن تو موارد روزمرّه و غیرخطیر، امید بلاموضوعه و نهایت یه دل‌روشنی داریم، از یه حدّی که احتمال پایین‌تر بیاد، باز امید بلاموضوع می‌شه؛ چی و کِی و چقدر و کجاش، بدیهیه نفر به نفر و جا به جا فرق می‌کنه. ولی تو این بلاموضوعی‌ی دوّم چی‌کار می‌کنیم؟ حرکت انتحاری؟ عسل خوردن از سوراخ ِمیون ِچاه؟ بسته‌ست به خطور. دوتا چیز دیگه: قبلنم گفتم یا گفتن ولی بازم یادمون بیاد این امید تو دوران معاصر و بشرِ پسارنسانسه که بالا اومده و خودی نشون می‌ده. قبلن تقدیر، تکلیف مسائل رو روشن می‌کرد. از وقتی تونستیم مقابل آینه خودمون رو بشناسیمه که به آینه‌ی بدون ما هم فکر می‌کنیم. به عکسای دسته‌جمعی‌مون نگاه کردیم؛ از اونایی که با دوست و آشنا می‌ندازیم و اغلب تو اوقات خوش؟ کی از همه غریبه‌تره؟ چهره‌ی کی بیشتر از همه استفهامیه؟ خودت دیگه! نه؟ چیز سوّم که تیتر این مطلب کردم، همون ناامیدی و یأس و ایناست. چرا واژه نداریم برای حالت نا–امید یا اگر هست توی لغتنامه‌ست؟ چرا این حالت فرع شده؟ چرا اوّلی را ساده‌دلی می‌دونن و پیش‌نیاز دوّمی که پیش‌شرط روشنفکریه؛ عبوس و خسته؟ امّا انگار این «نا»ست که اون مودِ سیّال و بی‌چگالی رو گیر می‌ندازه. انگار با این پیشوند تازه امید جسم و جون و خونه و حجم می‌گیره. اصلن انگار جاش همین‌جاست؛ میون این ترکیب! اصلن انگار اسم درستش همان «ناناامیدی» باشه که گذاشتم و ... به من چه که چیه؟ قسمت مربوطِ مِن لجاجتِ نپذیرفتنِ شکسته؛ حفظِ اون آخرین سنگری َکه نمی‌تونن فتحش کنن: بازمِ خودت! تموم کَردن: سین: دوست داری آینده چطوری باشه نیما صفار؟ جیم: گوشتخواری از میون بره، جنگ از میون بره، فاصله طبقاتی از میون بره، عمرا دراز بشه عوضش زاد و ولد پایین بیاد و ... دینگ! شد! ... گیرم شد! یعنی این همه آدم و حیوون که رنج کشیدن و فنا شدن، هیچ؟ این که تو اون لغت کم‌تر خز، «آینده»، چیزای بد خیلی کم‌تر از الآن بشن، خیلی مهمّه؟ از اون مسخره‌تر: اونایی که هستن رنج بکشن واسه تحقق جهانی بهتر واسه اونایی که هنوز نیستن؟ چرا؟ چرا جاعوضی نه؟ چرا اگه شرایط طوری باشه که چیزایی که پشت سر گذاشتیم باحال‌تر از چیزای پیش رو باشن، انهدام و تباهی و ...صداش می‌کنیم؟ چرا اصلن فرج و شدّت مثل سیخای جیگرکیا یه در میون جیگر و چربی‌روده نباشن (مثالی در اومده از دل گرگان)؟ اهمیّتش تو چیه که من دلخوش باشم کارایی که می‌کنم دویست سال دیگه واسه اونایی که هستن و ما نیستن جواب می‌ده؟ این که حس کنم یه کاری کردم؟ اونام ماییم؟ باشه! حسّش می‌کنم. این همه ساله که داریم ادبیّات و اینا کار می‌کنیم و به وضوح هرگز سراغ کارای تعلیمی و تبلیغی و سفارشی نرفتیم و بیشتر تو بخشای نپیموده و تاریک و در بهترین حالت سایه‌روشن ادبیّات پرسه زدیم. پس اومدیم وسط روایت فارسی با مسائل سیاسی و اجتماعی و صناعات و ... شروع کردیم خوندن و نوشتن و گفتن. پهن قشون میدون مشق تهرون رو فروختیم با عایدی‌ش دخو لغتنامه چاپ کنه. شاید دقیق‌ترین دخل فرهنگ‌مون همین بوده. حالا می‌گن اگه با همین فرمون بریم بیست سال دیگه هفتاددرصد ایرونیا از بی‌آبی ناچار به مهاجرت شدن. یهو می‌بینی واسه تویی که تابه‌حال بستر نوشتنت چندون مهم نبوده، فارسی نحیف و لاغر می‌شه، یهو می‌بینی این که این روایت یه جایی می‌بُره، همه چی رو زیر رو می‌کنه. دیگه این‌طوری نیست که وقتی رفتی زیر خاک، یه فارسی‌یی مونده باشه که تو هم یه گوشه‌ش چهارتا حرف داری. می‌بینی با این که گسست‌گرایی، تو بستر مداومت برش می‌زدی و یه چیزی ته اون تداوم می‌چسبونده چیزا رو به هم. خوب نگاش کن! حاشا نکن: «امید بوده!» همیشه «بوده».

فریتس‌لانگ تو متروپولیس واسه سوسپانس انداختن جیگر ملّت، شمارش معکوس رو ابداع می‌کنه. بدبخت به خوابم نمی‌دید مفهوم کانت‌داون چنون دالّ اعظمی بشه که کلّ بشریّت رو با خودش ببره. به قول نیما صفار (تو رمان «صدراعظم و سلطانش») «آخرالزمان پیش از فریتس لانگ شکر می‌خورد این‌طوریا باشه». البته جا شکر یه کلمه دیگه می‌گه. بی‌تربیته دیگه! می‌شناسینش لابد ...

*سعید نفیسی

در باب تعارض اخلاق و سیاست

علی‌نجات غلامی ـ اولین کتاب تاریخ بشر که [به‌طور مستند] به دست ما رسیده است، کتابی است از وزیر یکی از فراعنه‌ی کهن به نام پتاه‌هوتپ که گفته می‌شود در ۱۰۶ سالگی تالیف کرده است. کتابی است درباب حکمت و اخلاق که برای پسرش تالیف کرده است. این کتاب هم در فرم و هم در محتوا ظاهراً الگوی ادبیات‌های حکمی خاصه ادبیات فارسی بوده است، حال چه مستقیم چه غیرمستقیم. اگر فلسفه را در معنای عام کلمه در نظر بگیریم این اثر را باید آغاز فلسفه در نظر بگیریم که طبعاً نظر به موضوع‌اش یعنی اخلاق باید اخلاق را آغاز تاریخی و نیز مفهومی فلسفه لحاظ کرد. دست کم آغازی چونان هدف و علت غایی خود فلسفه، اگر قرار نباشد ضرورتاً خاستگاه تلقی شود. اما نکته‌ی مهم در فرم آن است که اندرزهایی از پدر به پسر است. الگویی بسیار آشنا که حتی ارسطو نیز در نگارش اخلاق‌اش از این الگو پیروی می‌کند. معنای این الگو چیست؟ آیا جز این است که اخلاق دست کم از یک لحاظ برخلاف سیاست، «بسیار نزدیک» است؟ اخلاقی که نتوان آن را به نزدیکان آموخت محلی از اعراب ندارد. مخاطب آموزه‌های اخلاقی در بدو امر نزدیکان‌اند. آنجاکه نسبتی فراسوی عدل اجتماعی برقرار است. خانواده و به‌طور کلی گروه آشنایان چیزی مغایر با جامعه در خود دارد. محور حیات اجتماعی خاصه در نوع شهری یعنی پولیسی بر گونه‌ای عدل و قانونمندی استوار است اما در خانواده چنین نظمی نمی تواند وجود داشته باشد. با نقل دو جمله از لائوتسه و کنفسیوس می‌توان این تمایز را دریافت. لائوتسه می گوید «خوبی را با خوبی پاسخ بده بدی را با بخشش». و کنفسیوس می گوید «خوبی را با خوبی پاسخ بده بدی را با عدالت». در نگاه نخست جمله کنفسیوس بایستی اهل فلسفه را درگیر خود کند، زیرا این جمله است که می تواند به حیات مدنی و شکل گیری اجتماع منتهی شود و باعث نوشتن قانون و ایجاد ضوابط حاکم بر روابط بینافردی شود. خاصه اینکه عدالت در پاسخ به بدی است، یعنی اینکه سیاست اساساً برای کنترل شر است. پس جمله کنفسیوس اندیشه‌ی هابز را هم در خود مستتر دارد. اینکه ایده‌ی «دولت» و «قانون اساسی» بر واکنش به شر استوار است و اساساً سیاست برای اینکه خود را جهان‌شمول کند ناگزیر است که انسان را کلاً گرگ انسان تلقی کند. اما جمله‌ی لائوتسه چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ در نگاه نخست ارزشی سیاسی از جمله‌ی لائوتسه به دست نمی‌آید. اما بیایید این‌طور در نظر بگیریم که سیاست برای هدایت جامعه‌ای شهری بر طبق نوموسی مبتنی بر دیکه[عدالت]تلقی می‌شود. حال جامعه یا به‌بیان‌دقیق‌تر شهر[پولیس]چیست؟ بر طبق تعریف کلاسیک شهر از اجتماع خانواده‌ها به وجود می‌آید. پرسش این است که آیا خانواده خود یک اجتماع کوچک است؟ قطعاً خیر! زیرا در خانواده قوانین عدالت آنگونه که بر شهر حاکم است وجود ندارد. اگر قرار باشد همان‌طور که فردی از دیگری به‌دلیل خوردن غذایش شکایت می‌کند مادر هم از فرزندش شکایت کند شالوده‌ی خانواده متلاشی می‌شود. اساس خانواده بر بخشش و اموری از این دست استوار است. خاصه از جانب مادر چونان بنیاد خانواده. اتفاقاتی که در خانواده روی می‌دهد اگر در جامعه روی دهد به شدت محل پیگرد قانونی‌اند. فردی که در روابط اجتماعی بخواهد از کسی پرستاری کند باید دستمزد بگیرد اما پدر و مادری دست کم هشت سال از عمرشان برای بزرگ کردن یک فرزند دچار کم خوابی‌اند و هیچ قراردادی در کار نیست. پدر و مادرهایی که با فرزندان‌شان معامله می‌کنند با بلعکس خاصه در خانواده‌های هسته‌ای امروزین به‌شدت در معرض بحران‌اند و کارشان از نظر همگان قبیح است. مثلا مردی را می‌شناختم که بابت تمام پول‌هایی که به پسر سربازش می‌داد رسید می‌گرفت! این مرد نزدیک به هفت بار ازدواج کرد و در همه‌ی موارد شکست خورد! زیرا آنگونه که قوانین اجتماع را رعایت می‌کرد در خانواده‌اش هم آنها اجراء می‌کرد (شغل‌اش افسر نیروی انتظامی بود و در مقام یک پلیس فرد بسیار خوبی بود، اما در مقام پدر خانواده از آنجاکه پلیسی رفتار می‌کرد و حشتناک بود). اخلاق مبتنی بر عدالت نمی‌تواند به‌طور کامل تاآنجاکه خانواده هنوز معنایش را حفظ کرده وارد ساحت خانواده شود. یعنی اینجا دو ساحت داریم، ساحت بخشش یا اخلاقی و ساحت عدالت یا سیاسی. خانواده و گروه دوستان و امثالهم نمونه‌هایی برای ساحت اول‌اند و جامعه و شهر نمونه‌هایی برای ساحت دوم. اینها در واپسین حالت قواعدشان به هم برگشت‌پذیر نیست، با این حال انسان همزمان در هر دو ساحت زیست می‌کند و هم تمرین اخلاق می‌کند از آن حیث که در خانواده و گروه‌های دوستان و آشنایان است و هم تمرین سیاست از آن حیث که در شهر و جامعه. با این حال جامعه مجموع خانواده‌هاست. یعنی از تعدادی خانواده تشکیل شده است. اما این بدین معنا نیست که مولفه‌های تشکیل دهنده‌ی یک کل همان منطقی را در درون خود داشته باشند که حاکم بر کل است. سلول از تعدادی مولکول تشکیل می‌شود و مولکول از تعدادی اتم. اما منطق درونی هر یک با هم فرق می‌کند و هر کدام موضوع یک علم جداگانه یعنی زیست‌شناسی، شیمی و فیزیک‌اند. به‌همین‌سان منطق درونی خانواده قرار نیست همان منطقی باشد که بر مجموع این خانواده‌ها به‌مثابه یک جامعه حاکم است. پس با علوم اجتماعی نمی‌توان به توضیح مکفی ساحت‌های درونباش خانواده نائل آمد. خانواده نظم درونش با نظم اجتماعی که از همین خانواده‌ها تشکیل شده است فرق می‌کند. با این حال این را نباید نادیده گرفت که به هر حال اجتماع از تعدادی خانواده تشکیل شده است این یعنی اینکه خانواده بنیادی‌تر از شهر است. پس قواعد درونی آن محوری‌تر از قواعد درونی شهر و یا جامعه‌ای است که از آن تشکیل شده است. پس قواعد اخلاقی حاکم بر خانواده که بر بخشش استوار است محور و اساس قوانین حاکم بر شهر است که بر عدالت استوار است. یعنی اخلاق بدون سیاست ممکن و بامعناست اما سیاست بدون اخلاق در زیرلایه‌اش بی‌معنا و بی‌اساس است و می تواند بدل به چیز خطرناکی هم بشود که ماهیت انسانی را به مخاطره بیافکند و او را تبدیل به یک ماشین رعایت کند. حال چیزی که مشخص است این است که خانواده یا گروه دوستان نمونه‌ای از ساحت اخلاقی پیشاسیاسی اندنه اینکه حتما برای این ساحت، خانواده شرط ضروری باشد. ممکن است روزگاری خانواده از بین برود، اما چیزی که از بین نمی‌رود و اگر از بین برود انسان معنایش را از دست خواهد داد خود آن ساحت اخلاقی پیشاسیاسی است که خانواده یکی از محمل‌های ممکن برای تحقق‌اش بود. یعنی آن نسبت پیشاعدالتی که بین گروهی از انسان‌های نزدیک برقرار می‌شد و اساسا زندگی انسانی معنایش را بدواً از آنجا استخراج می‌کرد. پس اگر آموزه‌های اخلاقی همواره نزدیکان را هدف قرار می‌دهد به دلیل این است که اساساً اخلاق نمی‌تواند برای «آنها» باشد و دور برود. صدالبته به صورت آرام دایره‌اش را گسترش می‌دهد و منتشر می‌شود. طوری که فرد همان برخورد و احساس مسئولیت که در قبال دوستان و خانواده‌اش دارد را کم و بیش در قبال دیگرانِ بیشتر و بیشتری احساس کند. اساساً اخلاق، باید به‌مثابه تلاشی برای غلبه بر سیاست نیز تلقی شود. اخلاق می‌کوشد دایره‌ی آشنایان و آشنایی‌ها را گسترش دهد و آنچه قبلاً مستوجب عدالت و اعمال قانون بود را محل عنایت اخلاقی قرار دهد. مثلاً فرض کنید کسی یک چشم شما را کور کرده و دستگیر شده و در حال محاکمه برای قصاص است که در دادگاه مانند فیلم‌های هندی می‌فهمید او برادر گمشده‌ی شماست. آیا روال دادگاه را به همان سان ادامه خواهید داد؟! آیا همچنان حاضرید او را کور کنید؟ وضعیت قطعاً متفاوت خواهد شد. نزدیک شدن او به شما نسبت را از عدل اجتماعی بیرون می‌کشد. اساساً چرا کشتن سهراب توسط رستم هنگام کشف اینکه او پسرش است اینقدر غمناک است؟! این نشان می‌دهد چیزی که خانواده یا گروه دوستان بر آن مبتنی شده است یک منطق زیرلایه‌ای‌تر از منطق اجتماع دارد. منطقی که می کوشد خود را به اجتماع نیز گسترش دهد. و آرام آرام نسبت‌های آشنایی بین افراد جامعه ایجاد کند که نیازی به قانون نداشته باشند و بتوانند با چیزی ورای عدالت در مقابل خوبی و بدی یکدیگر واکنش نشان دهند. به همین دلیل است که اخلاق به خود حق می‌دهد وارد سیاست شود و متون اخلاقی نام خود را «سیاست‌نامه» بگذارند، بی‌آنکه واقعاً متنی در حوزه‌ی اندیشه‌ی سیاسی باشند اما سرشار از آموزه‌های تدبیری شهرگردانی و کشورداری‌اند. لذا توقع از چنین متونی که بخواهند حتماً یک نظریه سیاسی مبتنی بر عدل را دنبال کنند بی‌وجه است. آموزه‌های پتاه‌هوتپ و تمام پیروان او از ارسطو گرفته تا نظام‌الملک و خردمندان رنسانس نشان می‌دهند که مخاطب اخلاق بدواً نزدیکان‌اند و نیز جامعه است از آن حیث که اعضایش «می‌توانند» از نزدیکان لحاظ شوند. (ذیل آنچه نوشتم می‌خواهم به فیلسوف اخلاق‌مان بگویم شاگردانت را دریاب که خیلی نزدیک‌اند و به فیلسوف سیاسی‌مان نیز بگویم این سیاست است که باید اخلاقی شود نه اینکه اخلاق سیاسی شود).